



بررسی تفسیرهای آخرازمایی و ارتباط آن با بحران آفرینی رژیم صهیونیستی در گفت‌وگو با حجت‌الاسلام عباس روزمه

رژیم صهیونیستی باور «تضمین ابدیت» را بهانه هر نوع خشونت کرده است

در پاسخ به این سؤال باید گفت که این موضوع بستگی دارد از کدام زاویه به آن نگاه کنیم. اگر از منظر چریانی که امروز در سرزمین فلسطین حاکم است، یعنی اسرائیل به مسئله نگاه شود، به نظر می‌رسد این نوع تفسیرها می‌تواند به تشدید جنگ و خشونت منجر شود. این صرفاً یک پیش‌بینی نیست، بلکه چیزی است که در صحنه میدانی نیز مشاهده می‌شود. برای مثال، جنایات وحشیانه رژیم حری که نسبت به کودکان و اظهار شادی در جامعه یهودی با نگاه حق به جانب از همین حیث است، اما از زاویه دیگر، یعنی جریان‌های اسلامی و شیعی، الزاماً به تشدید خشونت منجر نشده است. به این معنا که اگر چه در طول سال‌ها شعارهایی علیه اسرائیل مطرح شده، اما از این منظر اقداماتی که به طور مستقیم مبتنی بر نادیده گرفتن اصول انسانی با استفاده از هر وسیله‌ای برای رسیدن به هدف مقدس باشد، صورت نگرفته است. در این چارچوب، ادعا می‌شود رویکرد اعلامی، بیشتر بر مخالفت سیاسی و ایدئولوژیک متمرکز بوده تا اعمال خشونت‌های ضابطه‌همچنین به نمونه‌هایی اشاره می‌شود که در آنها پیش از وقوع درگیری‌ها، به ساکنان اسرائیل هشدار داده شده است منطقه را ترک کنند. مسئله اصلی و دیدگاه ما، شکل‌گیری حاکمیتی در سرزمین فلسطین است که در آن تمام اعراب فلسطینی با هر عقیده‌ای حق انتخاب داشته باشند و یهود غاصب و مهاجر به سرزمین‌های خود بازگشت کنند و این یعنی مخالفت با تصرف سرزمین، سلب حقوق ساکنان بومی و اعمال حاکمیت بر آنها دیدگاه ما است. در کنار ساختار سیاسی بر اساس ساکنان اصلی منطقه شکل بگیرد، حضور بیرون ادیان مختلف از جمله یهودیان، مسلمانان و مسیحیان می‌تواند در چارچوبی عادی ادامه داشته باشد. در مجموع، بر اساس این دیدگاه، تفسیرهای آخرازمایی می‌توانند در برخی موارد به تشدید خشونت دامن بزنند، به‌ویژه اگر با رویکردهای افراطی و انحصارطلبانه همراه شوند. اما در سوی دیگر، این تفسیرها لزوماً به تشدید خشونت منجر نمی‌شوند و می‌توانند صرفاً به عنوان چارچوبی اعتقادی برای تحلیل تحولات سیاسی و اجتماعی مورد استفاده قرار گیرند.

از نگاه اسلامی، مردم در زمان فتنه‌ها و بحران‌های بزرگ چه وظیفه‌ای دارند؟

اگر بخواهیم بر اساس نگاه اسلامی پاسخ دهیم، یک چارچوب کلی و به اصطلاح مرام‌نامه‌ای وجود دارد که برای رفتار مردم در چنین شرایطی ترسیم شده است. این توصیه‌ها، در عین حال که ریشه دینی دارند، به ابعاد اجتماعی و ملی توجه می‌کنند. نخست اینکه برای مردم با هر عقیده و گرایش سیاسی حق مسئولیت نسبت به سرزمین و جامعه اهمیت دارد. در این نگاه، نوعی پیوند میان هویت ملی و باور دینی مطرح می‌شود، به این معنا که علاقه به وطن و حفظ آن، با آموزه‌های دینی تقویت می‌شود. در گام بعد، در منابع اسلامی تأکید شده که در زمان فتنه‌ها یعنی شرایطی که فضا غیرآلود و تشکیلات مردم با هر عقیده و گرایش سیاسی مهم تلقی می‌شود. در این چارچوب، قرآن به عنوان معیار تشخیص معرفی می‌شود، یعنی فرد بدون تعصب و پیش‌داوری، با دقت در شرایط و شنیدن دیدگاه‌های مختلف، تلاش کند حق و باطل را از یکدیگر تشخیص دهد. نکته دیگر، مسئله «راهبری جامعه» است که در شرایط بحران، وجود یک مرجع هدایت‌کننده برای انسجام اجتماعی مهم تلقی می‌شود. بر همین اساس، گفته می‌شود تبعیت از رهبری جامعه اسلامی می‌تواند به عبور از بحران و حفظ ثبات کمک کند. در این چارچوب، به مفهوم «ولایت فقیه» اشاره و بر این باور تأکید می‌شود که حرکت در این مسیر، می‌تواند به حفظ انسجام، امنیت و پیشرفت کشور کمک کند. همچنین تأکید می‌شود که مردم در عمل نیز این رویکرد را نشان داده‌اند، یعنی در مواجهه با بحران‌ها، تلاش کرده‌اند برای حفظ ثبات، امنیت و بهبود شرایط چه در حوزه معیشتی، چه سیاسی و چه اجتماعی در مسیر توصیه‌شده حرکت کنند. در ادامه گفته می‌شود که حفظ وحدت ملی و جلوگیری از اختلاف و تفرقه، نقش مهمی در عبور از فتنه‌ها دارد. از این منظر، فاصله گرفتن از مسیر تعیین شده برای هدایت جامعه می‌تواند به تضعیف انسجام و حتی آسیب به تمامیت کشور منجر شود. در مجموع، مهم‌ترین وظایف مردم در زمان فتنه‌ها و بحران‌های بزرگ عبارتند از: رجوع به منابع دینی برای تشخیص درست، پرهیز از قضاوت‌های شتاب‌زده و متعصبانه، حفظ وحدت و انسجام اجتماعی و حرکت در چارچوب رهبری جامعه برای عبور از بحران و حفظ ثبات.

آینده این درگیری‌ها را باید بیشتر با تحلیل سیاسی فهمید یا با نگاه دینی و آخرازمایی؟

در پاسخ به این سؤال باید گفت که هر دو رویکرد لازم است. از یک‌سو، تحلیل سیاسی، اجتماعی و حتی نظامی اهمیت دارد و باید این تحلیل‌ها را مطالعه و بررسی کرد تا بتوان فهم دقیق‌تری از تحولات به‌دست آورد، اما از سوی دیگر، رویکرد دینی و نگاه آخرازمایی راهم در این چارچوب فکری نمی‌توان نادیده گرفت. این درگیری‌ها صرفاً یک نزاع سیاسی تلقی نمی‌شود، بلکه نوعی «تقابل وجودی» نیز به حساب می‌آید. برای مثال، به اظهارات بنیامین نتانیاهو اشاره می‌شود که از «تضمین ابدیت» برای اسرائیل سخن گفته است. در این تفسیر، این سخن به گونه‌ای دیگر معنا و در چارچوب مذهبی تحلیل می‌شود. برای پاسخ به سؤال شما به قرآن استناد و مراجعه کنیم که وعده نصرت الهی به مؤمنان را بیان فرموده است، آیاتی مانند «كَتَبَ اللَّهُ لَأَحِبِّينَ أَتَىٰ وَرُسُلِي» یا «إِنَّا لَنَنْصُرُ رُسُلَنَا وَالَّذِينَ آمَنُوا فِي الْحَيَاتِ ثُمَّ نَمُوتُ يُؤْتِيهِمُ اللَّهُ إِذَا هُم مَيِّتُونَ» اگر استنادی، انسجام و همراهی وجود داشته باشد، نتیجه نهایی به پیروزی منجر خواهد شد. بی‌شک با تبعیت از رهبری، صبر، استقامت و پرهیز از اختلاف، جامعه می‌تواند به جایگاه بالاتری از عزت، پیشرفت و موفقیت دست پیدا کند و با این عمل به شروط مذکور، همانطور که رهبری شهید آرزو کردند، خداوند متعال به زودی احساس پیروزی و فتح و نصرت را در کام جان‌های پاک ملت ایران ایجاد خواهد کرد و ما به خدای خمنای، راه‌خمنای و بشارت‌هایش باور داریم و قطعا به یاری خدا اینچنین خواهد شد.

و سیاسی ایران اشاره می‌شود که با این تهدیدها مقابله می‌کنند، سپس مسیر تحولات به سمت درگیری نهایی در سوریه و بعد حرکت به سوی قدس شریف شروع می‌شود؛ جایی که به گفته این روایت‌ها، نبرد سردی سرنوشت‌ساز رخ می‌دهد و در نهایت کنترل آن منطقه به‌دست نیروهای حق می‌افتد. لازم به ذکر است با استناد به روایات، مدتی قبل از فتح قدس از سوی سپاه امام عصر (ع)، می‌توان به این نتیجه رسید که در جنگی گسترده با شیعیان سرزمین فارس (ایران) رژیم یهود در فلسطین تضعیف و شرایط برای نبرد نهایی لشکر امام عصر به نحوی فراهم می‌شود، بر اساس چنین روایت‌هایی و در تقابل با اظهارات نژادپرستانه یهود صهیونی که قبل‌تر اشاره کردیم، برخی جریان‌ها تلاش می‌کنند خدادهای امروز منطقه را با این نشانه‌ها تطبیق دهند و از این طریق نتیجه بگیرند که در آستانه دوره‌ای خاص از تاریخ، یعنی مرحله منتهی به ظهور قرار داریم. البته باید توجه داشت که از گذشته در میان اندیشمندان درباره نحوه تطبیق این نشانه‌ها با واقعیت‌های روز، اختلاف نظر وجود داشته است.

منظور از «فساد بنی اسرائیل» در قرآن چیست و آیا می‌توان آن را به امروز ربط داد؟

در قرآن کریم درباره «فساد بنی اسرائیل» با تعبیر «مزیتین» (دو بار) سخن گفته شده است، یعنی بیان می‌کند که این قوم دو مرتبه در زمین دچار فساد و برتری‌جویی می‌شوند. این موضوع در سوره اسراء، به‌ویژه آیه ۴ مطرح شده است. در آنجا گفته می‌شود که خداوند در کتاب (تورات) به بنی اسرائیل اعلام کرده که آنها دو بار در زمین فساد خواهند کرد و دچار «علو کبیر» (برتری‌جویی بزرگ) خواهند شد. منظور از «فساد» در این آیات، در تفسیر مختلف، به معنای گسترده‌ای اشاره دارد، از جمله ظلم و ستم، کشتار، خون‌ریزی، از بین بردن حقوق دیگران و حتی کشتن پیامبران. به‌طور کلی، فساد به معنای خروج از حالت تعادل و از تکاپ انواع تخریب و ویرانگری در جامعه است. همچنین «علو کبیر» به معنای طغیان، استکبار و تعدی گسترده تفسیر شده است. مفسران برای این «دو فساد» مصادیق تاریخی ذکر کرده‌اند. دربار فساد اول، توضیحاتی در تفسیر آمده، اما محل بحث اصلی این است که فساد دوم چگونه تفسیر می‌شود. در ادامه آیات، به پیامدهای این فساد اشاره می‌شود، از جمله اینکه گروهی برانگیخته می‌شوند که با قدرت وارد می‌شوند، به جست‌وجو در خانه‌های می‌پردازند «جاسوا اخلال الدیار» و در نهایت این قوم به سزای اعمال خود می‌رسد. بر داشت خفیز از فساد دوم به‌ویژه با رویکرد آخرازمایی، به تحولات پیش رو و حتی به دوره‌ای نزدیک به ظهور منجی تفسیر می‌شود. بر این اساس، گسترش فساد به‌گونه‌ای خواهد بود که افکار عمومی جهان نسبت به این رفتارها واکنش نشان می‌دهد و نوعی نفرت و مخالفت گسترده با رژیم صهیونی و قوم یهودی شکل می‌گیرد. برای مثال، به رویدادهای زمان حاضر توجه کنید و واکنش‌های بین‌المللی، اعتراضات بی‌سابقه مردمی در کشورهای مختلف و موضع‌گیری چهره‌های شناخته‌شده بین‌المللی را ببینید که خوبی، می‌تواند نشانه‌ای روشن از قیام جهانی علیه جنایات، نژادپرستی و فتنه‌گری رژیم باشد. یعنی افزایش حساسیت و جان‌های آزرده نسبت به ظلم و بی‌عدالتی. در ادامه این تفسیر، به این نکته اشاره می‌شود که در نهایت، طبق آیات قرآن، «بندگانی نبرومند» برانگیخته می‌شوند تا با این فساد مقابله کنند و آن را پایان دهند «عباد لنا اولی باس شدید».) این بخش نیز در برخی قرآنت‌ها به یک تقابل نهایی و تعیین‌کننده تعبیر می‌شود؛ جنگ موجودیتی، جنگ پایانی با نبرد آخرازمایی. در مجموع، پاسخ این است که مفهوم «فساد بنی اسرائیل» در قرآن دارای بار معنایی گسترده و تاریخی است، اما اینکه آیا می‌توان آن را مستقیماً به وقایع امروز تطبیق داد یا نه، به عوامل مختلف بستگی دارد. برخی از این تطابق را برقرار و برخی دیگر با احتیاط بیشتری به این موضوع نگاه می‌کنند و آن را نیازمند تحلیل دقیق‌تر تاریخی و تفسیری می‌دانند.

آیا تفسیرهای آخرازمایی می‌توانند باعث تشدید جنگ و خشونت شوند؟



داشته است. برای مثال، در دوره طاغوت شخص محمدرضا پهلوی نیز مواضع مشخصی درباره اسرائیل و فلسطین مطرح کرده، بنابراین این مسئله ریشه‌دارتر از تحولات چنددهه اخیر است. باید به این نکته توجه کرد که دوره انقلاب و از ابتدای انقلاب اقدامات خصمانه مختلفی خصوصاً طی سال‌های اخیر علیه ایران صورت گرفته و این وضعیت به تدریج به نقطه‌ای رسیده که تقابل با این رژیم فریبکار و فتنه‌گر و پنهان‌جو اجتناب‌ناپذیر شده است. به نحوی که از ترور دانشمندان و خرابکاری در ایران علناً به جایی رسیدند که حتی تمامیت ارضی و ساختار حاکمیتی کشور هدف قرار گرفته است. صهیونیست‌ها در طول تاریخ ثابت کرده‌اند نژادنازاحتی هستند، دائماً یا درگیری بوده یا درگیری ایجاد کرده‌اند. به تاریخ اسلام و تشیع نگاه کنید بر اساس از خیانت‌ها و ردالت‌های این جماعت عهدشکن و بدسیرت، بنابراین در مواجهه با این قوم نکتیت و تعلیمات تحریف‌شده آنان که قطعاً از جانب حضرت موسی (ع) نیست، ما دارای شیوه‌نامه رفتاری خاصی هستیم که در قرآن کریم به صراحت به آن فرمان داده شده‌ایم. به عنوان مثال در سوره حشر به ماجرای قوم بنی‌نضیر اشاره شده است که به دلیل بیمان‌شکنی و وطنه‌قتل پیامبر (ص) از مدینه اخراج شدند. این روایت به‌عنوان نمونه‌ای از «مدل رفتاری» در مواجهه با دشمن یهودی مطرح می‌شود، بنابراین حرف ما هم همین است، فلسطین برای تمام فلسطینیان عرب است و بغیة افراد مهاجر باید به سرزمین خودشان برگردند. در مجموع باید بدانیم جنگ‌های کنونی صرفاً سیاسی نیستند، بلکه دارای ابعاد ایدئولوژیک و اعتقادی نیز هستند؛ تقابلی که به باور ما هم‌زمان با مفاهیم قدرت، هویت و باورهای دینی گره خورده و از آن جدا ناشدنی است.

چرا بعضی جریان‌ها این درگیری‌ها را نشانه‌ای از نزدیک شدن آخرازمان می‌دانند؟

در پاسخ به این سؤال باید ابتدا روشن کنیم که منظور از «آخرازمان» چیست. اگر مقصود، پایان کامل جهان باشد، ما چنین برداشتی را قبول نداریم، اما اگر منظور، دوره‌ای باشد که به ظهور منجی عالم بشریت منتهی می‌شود، این معنا در روایات ما مورد پذیرش قرار گرفته و درباره آن نشانه‌هایی نیز ذکر شده است. در برخی روایات، به وقایع و روایات دیگری اشاره شده است. به‌ویژه محدوده‌های که گذشته به آن «شامات» گفته می‌شد (شامل سوریه، عراق، لبنان و برخی مناطق دیگر) اشاره شده است. همچنین از نقش کشورهای مانند ایران و در مراحل پایانی، یمن نیز سخن به میان آمده است. این مجموعه تحولات، در برخی تفسیرها، به‌عنوان بخشی از نشانه‌های دوره منتهی به ظهور در نظر گرفته می‌شود. از جمله این نشانه‌ها، در روایات به «خروج سفیانی» و «خروج یمانی» اشاره شده است که گفته می‌شود در آستانه ظهور رخ می‌دهند. در توصیف این جریان‌ها آمده که گروه‌هایی با ویژگی‌های خاص، از جمله بی‌اعتقادی و بی‌دینی و رفتارهای خشن و اعمال جاهلی در منطقه اعلام موجودیتی می‌کنند. در برخی نقل‌ها و روایات حتی به این نکته اشاره شده که این گروه‌ها به نوعی وابسته به جریان‌هایی پنهان یا سازمان‌یافته هستند که در گذشته از آنها با تعبیری مانند «قباذ دهها» یاد شده است. در ادامه این روایات، گفته می‌شود که این گروه‌ها از مناطقی در سرزمین اردن وارد سوریه شده، موجب ناامنی گسترده و درگیری‌های شدیدی می‌شوند و سپس دامنه این بحران به عراق نیز گسترده می‌شود. توصیف‌هایی از خشونت‌های شدید، کشتار و بی‌ثباتی در این مناطق ارائه شده که برای برخی با خدادهای معاصر قابل تطبیق به نظر می‌رسد. همچنین در این روایات‌ها به درگیری‌های داخلی میان گروه‌های مختلف در سوریه و سپس حرکت این جریان‌ها به سمت عراق و حتی عربستان اشاره شده است. در بخشی از این نقل‌ها، از قتل و غارت شیعیان در مدینه و سپس حرکت امام که به‌عنوان منجی شناخته می‌شود از مدینه به مکه سخن گفته می‌شود. بر اساس این دیدگاه، این حرکت‌ها با نشانه‌هایی خاص، مانند وقوع ندایی در ماه رمضان همراه است و در نهایت به ظهور در زمانی خاص منتهی می‌شود. در ماه رمضان، از جریانی که در روایات از آن با عنوان «سید خراسانی» یاد شده، یعنی رهبر دینی

نیره ساری

حجت‌الاسلام عباس روزمه، کارشناس مذهبی و اجتماعی، پژوهشگر ارشد رسانه و مدرس دانشگاه در گفت‌وگو با «جوان» می‌گوید جنگ‌های کنونی صرفاً سیاسی نیستند، بلکه دارای ابعاد ایدئولوژیک و اعتقادی نیز هستند؛ تقابلی که به باور ما هم‌زمان با مفاهیم قدرت، هویت و باورهای دینی گره خورده است و از آن جدا ناشدنی است. همچنین مهم‌ترین وظایف مردم در زمان فتنه‌ها و بحران‌های بزرگ عبارتند از: رجوع به منابع دینی برای تشخیص درست، پرهیز از قضاوت‌های شتاب‌زده و متعصبانه، حفظ وحدت و انسجام اجتماعی و حرکت در چارچوب رهبری جامعه برای عبور از بحران و حفظ ثبات. متن گفت‌وگو با وی به شرح زیر است.



آیا جنگ‌های امروز خاورمیانه فقط سیاسی هستند یا ریشه‌های دینی و اعتقادی هم دارند؟

واقعیت این است که با جریانی مواجه هستیم که بر اساس باورهای خود، به دنبال تغییر ساختار منطقه خاورمیانه (غرب آسیا) است و این منطقه را محل استقرار قوم یهود صهیونی می‌داند. بر همین اساس، هر کسی که در این مسیر با آنها مخالفت کند، دشمن تلقی می‌شود و محکوم به نابودی است. اگر به تحولات اخیر نگاه کنید، نمونه‌هایی از این رویکرد را می‌توان در غزه مشاهده کرد و به زودی طبق اظهارات سران رژیم جعلی اسرائیل این روند به سایر کشورهای نیز کشیده می‌شود؛ کشورهایی مانند سوریه، ترکیه، عربستان، اردن و عراق. بر این اساس، اگر با این جریان سفاک و خونریز در همین مرحله مقابله نشود، شرایط دشوار و دردناکی برای مردم منطقه رقم خواهند زد، اما درباره ریشه‌های دینی و اعتقادی، به نظر می‌رسد این عامل نقش بسزایی دارد. برای مثال، برخی اظهارات از سوی رژیم صهیونیستی غربی با امریکایی مانند مارک رابینو مطرح شده که در آنها به موضوعات منطقه‌ای ایرانی یا رنگ‌بوی مذهبی - عقیدتی توجه می‌شود، از جمله بحث‌هایی درباره «امام دوازدهم» و ارتباط آن با سیاست‌های کلان و حتی برنامه‌های هسته‌ای ایران. چنین اظهاراتی نشان می‌دهد نگاه ایدئولوژیک در تحلیل‌ها و تصمیم‌گیری‌ها بی‌تأثیر نیست. از سوی دیگر، در سطح رهبری رژیم اسرائیل نیز می‌توان نشانه‌هایی از این نوع رویکرد مشاهده کرد. برای نمونه، بنیامین نتانیاهو پس از وقایع ۷ اکتبر در سخنانی به «تضمین ابدیت» برای اسرائیل اشاره کرد و گفت، من ابدیت را برای اسرائیل و مردم یهود ساکن در آن تضمین کردم که حاکی از آن است تمام اتفاقات فلسطین و منطقه ما در قالب جنگ موجودیتی برای بقا شکل گرفته است، این نوع ادبیات، برای برخی تحلیلگران، ریشه در باورهای خاص مذهبی و تفسیر مرتبط با مفاهیمی مانند «منجا» در دین یهود دارد که کافی است با تحقیقی ساده به این مطلب پی ببرید که عالم یهود از نتانیاهو خواسته است شرایط ظهور «ماشیح» (منجی در باور یهودی) را مهیا و تسریع کند. لازم به ذکر است این اقدامات وحشیانه در سده اخیر خصوصاً زمان حاضر بر پایه آموزه‌هایی از تلمود (به‌ویژه تلمود بابلی) و تورات صورت گرفته و در این چارچوب، سایر ملت‌ها یا باید با نظم مورد نظر اسرائیل همراه شوند یا حذف خواهند شد، به همین دلیل، رفتارهای خشونت‌آمیز نتانیاهو انجام، بلکه گناه با افتخار نیز از آن یاد می‌شود.

آیا این وضعیت پس از انقلاب اسلامی ایران ایجاد شده است؟
باید گفت چنین نیست، حتی پیش از انقلاب نیز تنش‌ها و درگیری‌هایی وجود